

بررسی رویکردهای سیاسی و رقابت‌جویانه ایران و عربستان و سازوکارهای مهار دشمنی‌ها

حسین علایی*



چکیده

ایران و عربستان، دو کشور همسایه در خلیج فارس و دو قدرت مهم رقیب و اثرگذار در منطقه غرب آسیا هستند و نمی‌توانند یکدیگر را نادیده بگیرند. سیاست و راهبرد این دو کشور در بسیاری از دوره‌های تاریخی علیه یکدیگر بوده و فضای مقابله با هم و دشمنی، بر روش‌های تعامل سازنده در روابط بین دو کشور غلبه داشته است. در دهه‌های اخیر، این دو قدرت نتوانسته‌اند اقداماتی ریشه‌ای و اساسی برای ایجاد روابط عادی و پایدار بین خودشان انجام دهند. هم‌اکنون نیز میزان تقابل و فضای تبلیغات منفی در هر دو کشور به حدی است که احتمال درگیری و حتی برخورد نظامی محدود نیز خارج از

* (نویسنده مسئول) دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع) (alaei_hossein@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۶۱-۱۶۳

تصور تحلیل‌گران نیست.

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رویکردها و مسائل سیاسی و اختلافات مهم در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی سعودی، ارزیابی منافع مشترک، و همچنین ارائه سازوکارها و شیوه‌هایی برای مصالحه سیاسی و بهبود مناسبات بین دو کشور است. فرضیه پژوهش عبارت از این است که شکل‌گیری اختلافات دو کشور، ریشه در «مسائل سیاسی» فیما بین و نیز «سیاست‌های آمریکا» در منطقه دارد و حل و فصل آن‌ها و بهبود مناسبات، تابعی از رفع مسائل سیاسی و چگونگی رابطه دو کشور با آمریکا است. با توجه به مشاهده مشارکتی و تجربه حضور در ساختار تصمیم‌گیری، روش انجام این پژوهش، توصیفی-تبیینی و تحلیلی است و گردآوری داده‌ها با روش جست‌وجوی کتابخانه‌ای و اینترنتی و مطالعه اسناد و متون انجام شده است.

در نتیجه‌گیری پژوهش، زمینه‌ها و راهکارهای عبور از موانع سیاسی و چگونگی مهار درگیری‌ها و برقراری روابط دوجانبه، بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش مشخص می‌کنند که راهکار بهبود مناسبات بین دو کشور، تکیه بر «اشتراکات و منافع مشترک» به جای اصرار بر اختلافات، پیگیری «نظام امنیت توافقی» یا دسته‌جمعی در خلیج فارس، و «برقراری روابط سیاسی» بین دو کشور از طریق «مذاکره جامع و فراگیر» است. واژگان کلیدی: روابط سیاسی دوجانبه، جمهوری اسلامی ایران، خلیج فارس، پادشاهی سعودی، غرب آسیا

مقدمه

تقریباً هم‌زمان با اجرایی شدن توافق هسته‌ای (برجام)، عربستان رابطه خود با ایران را از ۱۳ دی ۱۳۹۴ قطع کرد و حالا بیش از سه سال از قطع روابط سیاسی پادشاهی سعودی با جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. در گذشته، هیچ‌گاه روابط دو کشور تا این حد تلخ، تاریک، و تیره نبوده است. اگرچه ایران خود را تهدیدی برای عربستان نمی‌داند و نمی‌خواهد که عربستان دچار بی‌ثباتی شود (درویش‌وند، ۱۳۹۷: ۲)، ولی اکنون سیاست دولت عربستان، تقابل و تشدید تنش با ایران و همراهی همه‌جانبه با آمریکا برای تأثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها علیه ایران است. ایران و عربستان دو کشور مهم در جهان اسلام هستند که نوع رابطه آن‌ها با یکدیگر تأثیر معناداری بر وضعیت امنیت خلیج فارس و ثبات منطقه خاورمیانه دارد.

حکومت سعودی از زمان روی کار آمدن آل سعود، مبتنی بر اجماع قبیله‌ای خاندان سلطنتی بوده است، ولی در حال حاضر به یک حکومت فردی تبدیل شده و در واقع، پس از روی کار آمدن ملک سلمان، میزان خشونت آن با همسایگانش نیز به شدت افزایش یافته است. در جامعه بسته عربستان، نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها کم‌رنگ‌تر از پیش شده و اجماع سلطنتی نیز کاهش یافته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷: ۲). با ورود محمدبن سلمان به اریکه قدرت، عربستان از سیاست سنتی محافظه‌کارانه دهه‌های گذشته به سوی راهبرد «تهاجمی» در سیاست خارجی و «استبداد مطلقه» در داخل چرخش کرده و افزون‌بر «قلع‌وقمع مخالفان» خود در داخل کشور، سیاست «دشمنی علنی با ایران» و «همراهی با اسرائیل» را در پیش گرفته است.

افزون‌براین، حکومت سعودی از عوامل اصلی تحریک آمریکا علیه ایران و نیز

بهبود نیافتن روابط بعضی کشورهای عربی با ایران است. پرسش اصلی این پژوهش این است که «با وجود رقابت‌ها و اختلافات اساسی بین ایران و عربستان، چه سازوکارهایی برای کاهش سطح دشمنی‌ها و بهبود مناسبات بین دو کشور و رسیدن به مصالحه سیاسی وجود دارد؟» در این پژوهش با توجه به تجربه حضور در ساختار تصمیم‌گیری کشور و مشاهده مشارکتی، به ابعاد مختلف این موضوع، چگونگی برون‌رفت از وضعیت موجود، و رسیدن به تفاهم خواهیم پرداخت.

۱. چارچوب نظری؛ حوزه‌های اختلاف و رقابت بین ایران و عربستان

در قطب‌بندی‌های سیاسی منطقه‌ای، دو کشور ایران و عربستان در بسیاری از دوره‌های روزگار، رقابت‌های منفی‌ای با یکدیگر داشته‌اند و به لحاظ سیاسی و رفتاری در مقابل یکدیگر تعریف می‌شوند. اختلافات و دشمنی عربستان با ایران کاملاً بنیادین است و در حال حاضر، روابط دو کشور در وضعیت دشمنی قرار دارد (صادقی، ۱۳۹۷: ۳). هر دو کشور با بهره‌گیری از ابزارهای هویتی، قومی، جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای، تبلیغات رسانه‌ای، و رقابت در اتحاد و ائتلاف‌سازی، به تضعیف یکدیگر و افزایش هزینه‌های بازیگری همدیگر مشغول هستند. در ادامه به عمده‌ترین حوزه‌های واگرایی و رقابت منفی بین ایران و عربستان اشاره خواهیم کرد.

۱-۱. حوزه ژئوپلیتیک

یکی از چالش‌های جدی در روابط ایران و عربستان، ژئوپلیتیک منطقه، از خلیج فارس تا دریای سرخ و مدیترانه است. ژئوپلیتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست به مثابه یک مؤلفه قدرت می‌پردازد. ژئوپلیتیک، ضمن تمرکز بر روابط بین جغرافیا و سیاست، قدرت را در ابعاد ژئوپلیتیک آن بررسی می‌کند و علم کشف روابط محیط جغرافیایی و بررسی تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملت‌ها است (عزتی، ۱۳۸۰: ۷-۵). به عبارت روشن‌تر، معرفی و شناسایی مناطق مهم جغرافیایی و نیز رقابت قدرت‌ها بر سر این مناطق، رویکرد اصلی ژئوپلیتیک را در روابط بین‌الملل تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، ژئوپلیتیک در شکل کلاسیک بر عامل تعیین‌کننده اصلی تولید امنیت و قدرت توسط دولت در عرصه بین‌الملل، که همان

جغرافیا است، تأکید دارد (ارغوانی، ۱۳۹۶: ۱۳). براین اساس، ژئوپلیتیک عبارت از هدف ایجاد موازنه قدرت با رقیب‌هایی در سطح منطقه‌ای یا جهانی در راستای تأمین امنیت برای حفظ و گسترش منافع ملی است (مجته‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۳). ایران و عربستان، دو کشوری هستند که نمی‌توانند از جبر جغرافیایی‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، خلاص شوند. درعین حال، خروجی‌های ژئوپلیتیک خاورمیانه بیشتر تحت تأثیر اختلافات، رقابت‌ها، و تفاوت‌های کشورهای قدرتمند این منطقه است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

عربستان تمام کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و دریای سرخ را حوزه ژئوپلیتیک خود تلقی می‌کند و در پی آن است که آن‌ها را تحت امر مدیریتی، سیاسی، و ایدئولوژیک خود داشته باشد. این کشور وارد یک رقابت بزرگ ژئوپلیتیک با ایران شده و نگران از دست دادن قدرت خود در منطقه است؛ از این رو، با صرف منابع مالی فراوان و با حمایت آمریکا و مداخله نظامی در برخی کشورها، به دنبال شکل‌دهی ژئوپلیتیک جدید منطقه خاورمیانه است. این وضعیت یک سیستم دوقطبی را ایجاد کرده که از یک سو تابع امکانات ایران و عربستان سعودی و از سوی دیگر، تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا و اسرائیل است. افزون‌براین، نظریه‌پردازان امنیتی آمریکا با بهره‌گیری از رویکرد ژئوپلیتیکی *سائول کوهن* که نظریه «کمربند شکننده» (سائول کوهن، ۱۳۸۷: ۳۴۵) را مطرح کرده است، بر ضرورت کنترل ایران از طریق پیرامون تأکید دارند (متقی، ۱۳۹۰: ۱۰۰). آمریکا که عربستان را منطقه ژئوپلیتیکی پیرامون برای مقابله با ایران می‌داند، توانسته است با استفاده از فرصت دشمنی آل سعود با ایران، فروش تسلیحات به این کشور را افزایش دهد و قراردادی ۴۰۰ میلیارد دلاری با عربستان منعقد کند. به هر حال، ایران و عربستان در راستای محدودسازی تحرک ژئوپلیتیکی یکدیگر فعالیت می‌کنند و هر دو کشور در حوزه ژئوپلیتیک خاورمیانه در حال زورآزمایی و تلاش شدید هستند که طبیعتاً این تحرکات، پیامدهای جدی امنیتی‌ای برای منطقه خواهد داشت.

۲-۱. تعارض هویتی و اختلاف ایدئولوژیک

مهم‌ترین عامل تقابل و دشمنی عربستان با ایران، تعارض هویتی است. ایدئولوژی

عربستان، عامل شکل‌گیری گروه‌هایی مانند القاعده، طالبان، و داعش است که ویژگی همه آن‌ها، تلاش برای تشکیل خلافت و گسترش سیاست و حاکمیت عربستان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است. این تفکر به شدت ضدشیعیه بوده و تحمل افکار و عقاید غیر از خود را ندارد. این دو کشور حتی در زمان حکومت پهلوی نیز (با اینکه هر دو کشور جزء بلوک غرب و همکار آمریکا به‌شمار می‌آمدند) هیچ‌گاه روابط گرم و حسنه پایداری نداشتند. حکومت سعودی در زمان شاه و در ایام حج سال ۱۳۲۲ هجری شمسی، گردن یک زائر جوان یزدی ایرانی را در مکه مکرمه در ملاعام زد که باعث تیرگی و قطع روابط دو کشور به مدت چهار سال شد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۱۵).

بر اساس تحلیل سازه‌نگارانه، هویت یک دولت با ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها با روایت کردن تاریخ به شیوه‌ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (Quero Porcel, 2001: 147). هویت دولت‌ها، محور تعریف آن‌ها از واقعیت و برساختن مسائلی مانند قدرت، منافع ملی، دوست، دشمن، و امنیت است که در نهایت، تصمیم‌گیری و کنش‌ها بر اساس آن‌ها انجام می‌شود. کشورها نیز مانند افراد، تا حد زیادی، زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند (Adler, 2005: 78-79)؛ بنابراین، هویت بر شیوه‌های روابط خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد و رفتار دولت‌ها بر اساس تصور و معنایی شکل می‌گیرد که آن‌ها از رفتار یکدیگر دارند. در واقع، کشورها بنا بر الزامات هویتی، مجبور به قطع روابط با برخی از کشورها و متمایل به برقراری رابطه با برخی از کشورهای دیگر هستند. به عبارت دیگر، هویت‌ها به منافع دولت‌ها در راستای همکاری یا منازعه شکل می‌دهند (ونت، ۱۳۸۵: ۳۶۹).

بر اساس نوشته دونالد ترامپ در کتاب «زمان سرسخت بودن» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است، حکومت سعودی بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تروریسم وهابی در سراسر جهان است و روی تروریست‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کند که منحل امنیت مردم عادی در سطح جهان هستند. در حالی که ایران، قربانی تروریسم القاعده، داعش، و طالبان بوده است. اندیشه وهابی بر توسعه اختلافات بین مسلمانان، و شیعه‌کشی به‌ویژه در افغانستان، پاکستان، و عراق تأکید دارد. همچنین، عربستان در طول تاریخ بر تعارض بین

سنی و شیعه و نیز عرب و عجم تأکید کرده است (Mohammad Nia and Seifi, 2015: 113). طبیعی است که این نگرش، باعث آسیب دیدن دیدگاه تلاش برای ایجاد وحدت امت اسلامی بین مسلمانان می‌شود؛ بنابراین، عربستان با ایران مشکل هویتی دارد و به‌سادگی زیر بار حل مشکلات خود با ایران نمی‌رود.

۳-۱. رقابت در حوزه ژئوپلیتیکی مناطق نفوذ

براساس چارچوب نظری رابرت کی‌گن، هم‌اکنون کشورهای بزرگ جهان و کشورهای مهم منطقه‌ای، در کنار قدرت اقتصادی، در پی کسب جایگاه و نفوذ هستند و دوره تفاهم، جای خود را به دوره تزاخم داده است (IKenberry, 2011: 613-615). کی‌گن بر این نظر است که نظام بین‌الملل از یک قدرت جهانی و بسیاری قدرت‌های دیگر تشکیل شده است؛ بنابراین، خاورمیانه، به فضای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده و سطح توافق نیز در آن کاهش پیدا کرده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

عربستان، هم‌سویی حکومت‌های کشورهای پیرامونی را جزء عقبه امنیت ملی خود تلقی می‌کند. این کشور از سیاست نفوذ منطقه‌ای برای حفظ ثبات سیاسی حاکمیت در برابر چالش‌های داخلی و خارجی استفاده می‌کند و نگران سرایت افکار بهار عربی به سرزمین پادشاهی است. پژوهش‌های انجام‌شده، از یک سو رابطه بین نگرانی و تهدید و از سوی دیگر، برخوردهای نظامی گونه و اهمیت امنیت ملی را نشان می‌دهند (Shaliti, 1994: 415-434). عربستان از گذشته‌های دور، داعیه سلطه بر کل منطقه را دارد و هم‌اکنون افزون‌بر تسلط بر بسیاری از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، در پی افزایش نفوذ خود در عراق، سوریه، لبنان، یمن، افغانستان، پاکستان، و حتی نفوذ در تاجیکستان است. بازداشت نخست‌وزیر لبنان در سال ۱۳۹۶ و مجبور کردن او به استعفا، کمک مالی به دولت‌های پاکستان و اردن، و قول سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری عربستان در پاکستان در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۷، طی سفر بن‌سلیمان به اسلام‌آباد، همگی در قالب توسعه نفوذ عربستان، قابل‌ارزیابی هستند. به‌طور کلی می‌توان گفت، ایران و عربستان از هم «واگرایی» و با یکدیگر «رقابت» داشته‌اند و دوران همکاری آن‌ها با یکدیگر نسبت به دوران دشمنی‌شان تقریباً ناچیز بوده است.

۴-۱. ژئواکونومی نفت و تصمیم‌گیری‌ها در سازمان اوپک

هر دو کشور ایران و عربستان در بین دو منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و آسیای مرکزی قرار دارند که از موقعیت ژئواکونومیک نفتی و گازی متمایزی برخوردارند و هر دو در معادلات قدرت‌های جهانی، جایگاه ویژه‌ای دارند. ایران و عربستان دارای ذخایر فراوان نفتی و گازی هستند که بعضی از این منابع نفتی در خلیج فارس، مخزن مشترکی دارند. البته عربستان قادر است روزانه ۳ میلیون بشکه نفت مازاد بر نیاز جهان را تولید کرده و در اختیار بازار بگذارد که قدرت بالایی به این کشور در برخورد با رقبا می‌دهد (دهشیار، ۱۳۹۲: ۵۵). ژئواکونومی، تجزیه و تحلیل راهبردهای اقتصادی است که دولت‌ها برای تصمیم‌گیری در یک محیط سیاسی با هدف حفاظت از اقتصاد کشور خود و برای کمک به ملتشان به آن توجه می‌کنند. تصرف و تصاحب بخش‌هایی از بازارهای جهانی در راستای ارتقای قابلیت تجارت و بازرگانی، یک عنصر کلیدی در قدرت و نفوذ بین‌المللی است که به تقویت توانایی‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی یک کشور کمک می‌کند (Chan, 2011: 5). عربستان، تضعیف توان مالی ایران و جایگزینی نفت آن کشور در بازارهای هدف ایران را در چارچوب منافع خود ارزیابی می‌کند. در دوره‌های سختی مانند دوران جنگ عراق با ایران و نیز در دوره‌های تحریم‌های پیشین ایران نیز معمولاً سیاست نفتی عربستان در مقابل ایران قرار داشته و از ظرفیت تولیدی خود و نیز کاهش قیمت نفت علیه ایران استفاده کرده است (Bardají, 2016: 90). در دو سال آخر جنگ تحمیلی، پادشاهی سعودی توانست برای فشار به ایران، قیمت نفت را تا نزدیک به ۶ دلار در هر بشکه کاهش دهد تا توان اقتصادی ایران تضعیف شود.

۵-۱. مسئله فلسطین و موضوع اسرائیل

مهم‌ترین مناقشه خاورمیانه در ۷۵ سال گذشته، مسئله فلسطین، آوارگی فلسطینی‌ها، تشکیل دولت یهود، و قدرت‌گیری اسرائیل در برابر اعراب بوده است. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مردم فلسطین و مخالفت با اسرائیل بوده است. امام خمینی (ره) رژیم اسرائیل را غده سرطانی می‌دانستند و می‌فرمودند: «ما از مردم بی‌پناه فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم».

اسرائیل، این جرثومه فساد، همیشه پایگاه آمریکا بوده است. باید همه به‌پا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم» (صحیفه نور، ۱۳۷۹: ۲۶۶). در دهه‌های گذشته، دولت‌های عربی به‌طور سنتی، اسرائیل را دشمن و تهدیدی برای خود تلقی می‌کردند، اما در حال حاضر حکومت سعودی، دیگر نه تنها اسرائیل را به‌عنوان تهدید و دشمن اعراب نمی‌شناسد، بلکه به‌صورت محرمانه با آن ارتباط دارد و حکومت سعودی به عامل فشاری بر فلسطینی‌ها برای پذیرش خواسته‌های حداکثری اسرائیل تبدیل شده است و در عوض، ایران را «تهدید» و «دشمن» منطقه‌ای خود تلقی می‌کند. افزون‌براین، حکومت سعودی مخالفتی با حفظ امنیت و بقای اسرائیل ندارد و به‌گونه‌ای همه‌جانبه با صهیونیست‌ها علیه ایران همکاری می‌کند و معتقد به بازگشت فلسطینی‌ها به سرزمین آباواجدادیشان نیست، درحالی‌که ایران پشتیبان مردم فلسطین بوده و از مبارزات آن‌ها علیه رژیم اشغالگر اسرائیل حمایت می‌کند.

ایران، راه‌حل مسئله فلسطین و اسرائیل را برگزاری انتخابات میان اعضای واقعی سرزمین فلسطین (چه مسلمان، چه یهودی، و چه مسیحی) می‌داند و معتقد است، جامعه شکل گرفته پس از این انتخابات، جامعه‌ای بدون بحران خواهد بود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۶۴). با توجه به غیرقانونی تلقی کردن دولت اسرائیل از سوی ایران و حمایت جمهوری اسلامی از فلسطینیان، اسرائیل نیز به‌شدت از عربستان پشتیبانی می‌کند و ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه موجودیت خود یا تهدید وجودی معرفی کرده است (برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۰). به گزارش «جرزالم پست»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی طی سخنانی در برابر رسانه‌های خارجی (چهارشنبه ۱۳۹۷/۹/۲۱) در پاسخ به پرسشی گفت: اگر عربستان بی‌ثبات شود، همه جهان و نه تنها خاورمیانه بی‌ثبات خواهد شد (نتانیاها، ۱۳۹۷: ۳).

۲. الگوی رفتاری عربستان با ایران

در تمام دوران پس از انقلاب اسلامی، به‌جز دوره‌ای که صدام حسین به کویت حمله کرد، همواره حکومت سعودی در کنار دشمنان ایران بوده و از آن‌ها حمایت کرده است. در دوران جنگ تحمیلی، عربستان با کمک ۲۷ میلیارد دلاری به صدام

حسین و در اختیار گذاشتن بندرهای آن کشور برای حمایت از عراق، سیاست تقابلی خود با ایران را دنبال می‌کرد. همچنین، در مرداد ۱۳۶۶ و در اوج فشار نظامی عراق به ایران، ضمن تلاش برای کاهش قیمت نفت، بیش از ۴۰۰ حاجی ایرانی را در خیابان‌های مکه کشت، حدود ۱۰۰۰ نفر را مجروح کرد، و سپس رابطه خود را با ایران قطع کرد. افزون‌براین، پادشاهی سعودی با راه‌اندازی شورای همکاری خلیج فارس در سال نخست جنگ تحمیلی با عضویت ۶ کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس سعی کرد حمایت سیاسی از صدام حسین در جنگ علیه ایران را سازماندهی کند. مواضع سیاسی این شورا در تمام طول حیاتش، در مقابل ایران بوده است. حکومت سعودی با توافق هسته‌ای ایران مخالف است و یکی از محرک‌های آمریکا برای خروج از برجام به‌شمار می‌آید. یکی از بخش‌های سیاست تقابلی پادشاهی سعودی علیه ایران، سیاست مبتنی بر محدودسازی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و کمک به سیاست مهار ایران توسط آمریکا است.

ایران اگرچه عربستان را دشمن می‌داند، ولی آن را یک «تهدید مستقل» به‌شمار نمی‌آورد و بر این نظر است که عربستان به‌تنهایی ظرفیت جنگ مستقیم با ایران را ندارد و از همین رو، به‌دنبال کاهش دشمنی با عربستان و پیش‌تاز نرمش در حوزه روابط سیاسی با این کشور است (ظریف، ۱۳۹۷: ۱۵)، اما تمام تلاش‌های مقامات سعودی مبتنی بر «رای‌زنی‌های سیاسی» به‌ویژه در آمریکا و «دیپلماسی دیدار» و سفر به کشورهای مختلف، از خاورمیانه گرفته تا اروپا و ایالات متحده آمریکا، ائتلاف‌سازی‌ها در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی، و مذاکرات انجام‌شده با آن‌ها با اتکا به دلارهای نفتی، به‌گونه‌ای هدفمند در راستای مقابله با ایران طراحی شده است. باید توجه داشت که ماهیت سیاست‌گذاری‌های تهاجمی پادشاهی سعودی علیه ایران با دو ضلع دیگر آن، یعنی آمریکا و اسرائیل، عینیت و معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین، جهت‌گیری سیاست‌های حکومت سعودی، به‌سوی سیاست محدودسازی نقش منطقه‌ای ایران و درنهایت، براندازی جمهوری اسلامی، هدف‌گذاری شده است. محمدبن سلمان، ولیعهد عربستان، به‌محض روی کار آمدن اعلام کرد: «ما جنگ را به داخل ایران می‌کشانیم». حکومت سعودی افزون‌بر راه‌اندازی رادیو و تلویزیون‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای، از جمله «ایران اینترنشنال»، از حملات

تروریستی و جدایی‌طلبانه در ایران (مانند کشتار اهواز در روز ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ در حمله داعش به رژه نیروهای مسلح) نیز حمایت می‌کند. همچنین، سرویس امنیتی عربستان پشت سر حمله انتحاری به پاسگاه پلیس در چابهار در روز پنجشنبه ۱۳۹۷/۹/۱۵ بوده است.

۳. واگرایی منطقه‌ای و ریشه‌یابی مسائل سیاسی و اختلافات بین ایران و عربستان

از دیدگاه راهبردی، دولت سعودی، جمهوری اسلامی ایران را خطر درازمدت و پایداری برای حکومت خود در عرصه داخلی و خارجی می‌داند. پادشاهی عربستان معتقد است، چشم‌انداز ماندگاری و پایایی تفاوت‌ها، رقابت‌ها، و ضدیت‌ها میان ریاض و تهران، ریشه‌دار و حل‌نشده است؛ بنابراین، باید در پی تغییر رژیم در ایران بود. در حال حاضر حکومت سعودی، سیاست‌های ضدایرانی آمریکا در دوران زمامداری ترامپ را به‌مثابه فرصتی طلایی برای خود تلقی می‌کند تا روابط دوجانبه را کاملاً قفل کند و به سیاستمداران دوراندیش (در راستای حل اختلافات) اجازه تحرک ندهد؛ بنابراین، می‌توان گفت سه عامل تلفیقی روی کار آمدن «آل سلمان» در عربستان، «تغییر موازنه قوا» به نفع جمهوری اسلامی در منطقه، و «انتخاب ترامپ» به ریاست جمهوری آمریکا، ریشه بروز اختلافات کنونی عربستان با ایران هستند. در ادامه به برخی از ریشه‌های دیگر اختلافات اشاره می‌کنیم.

۳-۱. نقش آرمان‌گرایی و پندار از تهدید در شکل‌دهی به سیاست خارجی

برای شناخت چرایی عملکرد سیاست خارجی یک کشور باید آرمان‌ها، تجربیات تاریخی، و عوامل مؤثر بر رفتار و کردار خارجی دولت‌ها را شناسایی کرد. سیاست خارجی هر کشوری نتیجه تعامل، رویارویی، و ترکیب عوامل گوناگون داخلی و خارجی مانند شرایط جغرافیایی و اقلیمی، تجربه‌های تاریخی، ترکیب قومی، ماهیت نظام سیاسی، توانایی‌ها و محدودیت‌های اقتصادی و نظامی، و سرانجام، ماهیت نظام سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای است (هانتر، ۱۳۷۶: ۷۰۳)؛ بنابراین، سیاست خارجی هر کشور، همواره بازتاب ماهیت حکومت آن کشور است (سلامه، ۱۹۸۰: ۲۹).

ایران، از زمان وقوع انقلاب اسلامی، برای دستیابی به اهدافش، سیاست‌های

خارجی مختلفی را دنبال کرده است. براساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی، و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. البته به تدریج سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (به سبب کسب تجربه‌های عینی و ملموس از دوران جنگ تحمیلی) رویکردی مبتنی بر واقع‌گرایی و قدرت پیدا کرده است (اسدی، ۱۳۸۶: ۱). در عین حال، سیاست خارجی ایران پس از دوره بنی‌صدر برمبنای گفتمان اسلام‌گرایی، از ترکیب مقوله‌هایی مانند عدالت اجتماعی، حمایت از مظلوم و مبارزه با ظلم، و مؤلفه‌هایی چون قدرت و امنیت، تشکیل شده است (فرزانه‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۱). سه عامل هویت، قدرت، و امنیت، به گونه‌ای تعاملی و همبسته نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام تصمیم‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند، اما نوع و نحوه ارتباط آن‌ها در گذر زمان و در موقعیت‌های مختلف، نتیجه ملاحظات و اولویت‌هایی است که در تصمیم‌گیری سیاست خارجی رقم خورده است (محمدی و حاجی‌یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۴). پیشران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بین منافع جهانی و منافع ایرانی و اسلامی یا به عبارت دیگر، بین منافع امت اسلام و منافع ملی ایران در نوسان بوده است (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۸)؛ بنابراین، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران، تحت تأثیر محیط ملی با هویت انقلابی-اسلامی و فشار و الزامات محیط بین‌المللی انجام می‌شود.

افزون‌براین، سیاست خارجی عربستان بر محور «مبارزه با تهدید» (عطایی، ۱۳۹۲: ۱۳۷) و برمبنای بهره‌گیری ابزاری از «دین» و مکه (Yamani, 2008: 153)، «وابستگی به آمریکا»، استفاده از «درآمدهای سرشار نفتی»، و تلاش برای کسب «رهبری بر جهان عرب» شکل گرفته است؛ بنابراین، در سیاست خارجی عربستان، عنصر امنیت بر عنصر هویت غالب است (عطایی و منصوری‌مقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۷) و شیوه تأمین امنیت نیز براساس همراهی با سیاست‌های آمریکا و بهره‌گیری از منابع مالی نفتی در نظر گرفته شده است. البته اهمیت حفظ ثبات نظام حاکم موجب شده است که سعودی‌ها تهدید ایدئولوژیک را فوری‌تر از تهدید نظامی بیندارند (Gause,

(170: 2011). عربستان احساس می‌کند که ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی به تدریج توانسته است بر قدرت منطقه‌ای خود بیفزاید. ایران نه تنها در جنگ هشت‌ساله در برابر صدام حسین شکست نخورد، بلکه حاصل این جنگ در نهایت، سرنگونی رژیم بعث عراق و قدرت گرفتن ایران در صحنه عراق از سال ۱۳۸۲ به بعد است. همچنین، ایران توانسته است با تشکیل حزب‌الله در لبنان، سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان را آزاد کند و یک قدرت عظیم مقابله با اسرائیل را در کنار فلسطین اشغالی تشکیل دهد. همچنین، ایران توانسته است برنامه‌های عربستان را در لبنان، سوریه، و یمن به هم بریزد و از خیزش‌های عربی سال ۱۳۸۹ حمایت کند. افزون‌براین، ایران با توافق هسته‌ای برجام، به سوی تنش‌زدایی با آمریکا و اروپا و کشورهای غربی حرکت کرده است. این مسائل باعث شده‌اند که عربستان احساس کند که تاب و تحمل قوی‌تر شدن ایران را ندارد و با تمام نیرو علیه جمهوری اسلامی به صحنه بیاید؛ بنابراین، با وقوع بهار عربی و سرنگونی بن‌علی در تونس و حسنی مبارک در مصر، و پس از روی کار آمدن آل‌سلیمان در عربستان، تحولی در سیاست خارجی این کشور رخ داده است و تلاش برای حفظ جایگاه منطقه‌ای در میان‌مدت و ارتقای آن در بلندمدت در نظم متحول منطقه‌ای و بین‌المللی، در کانون تحولات سیاست خارجی عربستان جای گرفته است (احمدیان، ۱۳۹۵: ۹۸).

روی هم‌رفته، اصلی‌ترین ابزار سیاست خارجی عربستان، بهره‌گیری از ظرفیت مالی ناشی از تولید و صادرات نفت و نیز تکیه بر حمایت‌های آمریکا به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت^۱ است.

۲-۳. تأثیر آمریکا بر روابط عربستان با ایران

از سال ۱۹۳۲ که عربستان به یک پادشاهی متحد تبدیل شد تاکنون، تمام پادشاهان این کشور به درجه‌های متفاوت، وابستگی و همکاری با آمریکا را به‌عنوان یک اصل و قانون طلایی دنبال کرده‌اند (دهشیار، ۱۳۹۲: ۵۰). اگرچه عربستان را نمی‌توان کشور دست‌نشانده آمریکا به‌شمار آورد، اما سیاست خارجی این کشور از چندین دهه پیش، بر مبنای همسویی با سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا پایه‌گذاری شده است. این کشور همواره

در پی افزایش قدرت نظامی و نفتی خود در راستای ایفای نقشی مؤثر در منطقه و در رقابت با ایران بوده است. نیاز پادشاهی عربستان به «امنیت» و نیاز آمریکا به داشتن یک «متحد منطقه‌ای» برای مهار جمهوری اسلامی ایران، باعث شده است که سیاست‌های ترامپ و آل‌سلمان علیه ایران به هم گره بخورد (Hart, 1998: 11). در حال حاضر، آمریکا مهم‌ترین کشور تأثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان، به‌ویژه در سیاست منطقه‌ای این کشور، است و عربستان نیز بزرگ‌ترین کشور خریدار تسلیحات جنگی از آمریکا است. پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا می‌گوید: «عربستان «متحد مهمی» برای آمریکا است» (پمپئو، ۱۳۹۷: ۲). ترامپ، عربستان را محور راهبردی مقابله با ایران و دفاع از اسرائیل در منطقه می‌داند و حتی بر این نظر است که قتل خاشقچی نباید این محور را تضعیف کند. ترامپ به‌طور علنی گفته است که ما هفت‌هزار میلیارد دلار در منطقه هزینه کرده‌ایم و حالا کشورهای پولدار عرب باید آن را به ما پس بدهند، چون آن‌ها چیزی به‌جز پول ندارند (موسویان، ۱۳۹۷: ۸). همچنین، ترامپ می‌گوید: «عربستان بدون حمایت ما دو هفته بیشتر دوام نمی‌آورد و نمی‌تواند زندگی کند» (ظریف، ۱۳۹۷: ۴). لیندسی گراهام، سناتور آمریکایی نیز در گفت‌وگو با تلویزیون فاکس نیوز در اوایل آذر ۱۳۹۷ گفت: «اگر به‌خاطر حمایت‌های آمریکا نبود، سعودی‌ها ظرف یک هفته مجبور می‌شدند فارسی صحبت کنند» (گراهام، ۱۳۹۷: ۷). باید توجه داشت که سیاست امنیتی آمریکا در خاورمیانه براساس مقابله با کشورهای رادیکال تنظیم شده است (متقی، ۱۳۹۰: ۹۹)؛ بنابراین، هم‌زمان از منابع و ظرفیت‌های دولت سعودی برای مهار نقش فزاینده منطقه‌ای جمهوری اسلامی و فشار بر ایران استفاده می‌کند.

۳-۳. افراط‌گری و تندروی حاکمان جدید عربستان

با روی کار آمدن آل‌سلمان در عربستان، بر افراط‌گری حاکمان سعودی افزوده شد. در حال حاضر و به‌ویژه پس از فاجعه یمن و قتل فجیع جمال خاشقچی، هیئت حاکمه عربستان در بحران مشروعیت به‌سر می‌برد. تندروی حکومت آل‌سلمان تنها علیه ایران نیست، بلکه هم‌اکنون حدود ۳۰۰ نفر از شاهزاده‌های سعودی نیز ممنوع‌الخروج بوده و تعدادی از روحانیون نیز در بازداشت به‌سر می‌برند. دولت عربستان، حکومت اخوانی مصر را سرنگون کرد و نظامیان را در این کشور بر سر

کار آورد. همچنین، کشور قطر را تحریم و آن را محاصره کرد. سه کشور عربی امارات، بحرین، و کویت، بنا بر خواست عربستان، از دو سال پیش روابط خود با قطر را به بهانه حمایت این کشور از تروریسم قطع کرده و تمام گذرگاه‌های زمینی، دریایی، و هوایی را به‌روی این کشور بسته‌اند.

عربستان، اخوان‌المسلمین را یک گروه تروریستی تلقی کرده و هواداران آن را زندانی کرده است. همچنین، قیام مردم بحرین را سرکوب و این کشور را اشغال کرده است. تنها دو ماه پس از روی کار آمدن ملک‌سلیمان در فروردین ۱۳۹۴، برابر با مارس ۲۰۱۵، جنگ عربستان با یمن با عنوان «عاصفه‌الحزم» یا «طوفان قاطعیت» آغاز شد. عربستان با حمله به یمن و برپایی یک جنگ تمام‌عیار با کمک امارات و حمایت آمریکا برای سوخت‌رسانی به جنگنده‌های سعودی، موجب کشتار مردم و قحطی و گرسنگی در این کشور شده است. این کشور از آغاز حمله نظامی به یمن با کمک‌های اطلاعاتی-تسلیحاتی آمریکا، انگلیس، فرانسه، و سایر متحدان منطقه‌ای خود، مردم یمن را در محاصره اقتصادی و تسلیحاتی قرار داده است، اما تاکنون موفق به دستیابی به هدف اصلی خود، یعنی کنترل کامل یمن که تقریباً یک مأموریت «غیرممکن» است، نشده است. اشغال کشورهای بحرین و یمن یکی از فاجعه‌بارترین اقدامات عربستان در طول سال‌های گذشته بوده است که موجب قتل و آوارگی بسیار از غیرنظامیان و گرسنگی مردم در یمن شده است. جو بایدن، معاون اوباما، به‌صراحت گفته است که متحدان آمریکا، منشأ پول و اسلحه برای تروریست‌ها هستند. نخست‌وزیر پیشین قطر نیز گفته است که دو پایگاه در اردن و ترکیه بود که آمریکا، عربستان، اسرائیل، و ترکیه نیازهای تروریست‌ها در سوریه را از طریق این دو پایگاه تأمین می‌کردند (موسویان، ۱۳۹۷: ۱۲).

۳-۴. تحلیل ژئوپلیتیکی توسعه مناطق نفوذ از سوی عربستان و ایران

تلاش برای توسعه مناطق تحت نفوذ، تاکنون باعث درگیری‌ها و جنگ‌های نیابتی زیادی در کشورهای عراق، سوریه، یمن، افغانستان، لبنان، بحرین، و پاکستان شده است و انسان‌های بی‌طرفی در آتش این اختلافات کشته شده‌اند. عربستان بر این باور است که ایران در حال توسعه نفوذ خود در حوزه جغرافیایی و امنیتی عربستان،

از جمله در یمن، بحرین، و عراق است. دولت سعودی بر این باور است که ایران از حوثی‌ها و انصارالله در یمن، حزب‌الله در لبنان، حشدالشعبی در عراق، و شیعیان در بحرین حمایت می‌کند. دولت سعودی در پاسخ به اعلام آمادگی وزیر امور خارجه ایران برای همکاری در حوزه دوجانبه و نیز در حوزه منطقه‌ای، پیام داده است که منطقه ربطی به شما ندارد (ظریف، ۱۳۹۷: ۲). به‌هرحال، گسترش نفوذ و موقعیت منطقه‌ای ایران، فضا را برای تنفس و راحتی سعودی‌ها تنگ کرده است و آن‌ها در پی راهی برای خروج از این بن‌بست راهبردی هستند. در این چارچوب، هرچند تمایل جمهوری اسلامی به تقویت «همکاری‌های منطقه‌ای» همواره در راهبرد سیاست خارجی ایران قوی بوده، اما هم‌زمان نیاز داشته است تا با اصل ثابت دیگر سیاست خارجی خود، یعنی «بازدارندگی تهدید از منطقه» (به‌شکل سخت و نرم) به نوعی تعادل برسد. همین مسئله سبب شده است که رقبای ژئوپلیتیک در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، حضور جمهوری اسلامی در منطقه را «گسترش خواهانه» تلقی کنند. این درحالی است که ایران، حضور و نفوذ خود را بیشتر در قالب رفع «مشکلات منطقه‌ای» و برای افزایش «امنیت نسبی» خویش ضروری می‌داند. همچنین، معتقد است که افزایش پیوندهای منطقه‌ای به رشد اقتصادی این کشور، به‌ویژه در شرایط تحریم، کمک می‌کند که همین خود، لازمه ایفای نقش فعال سیاسی در محیط سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه است. ظهور داعش و شکل‌گیری ائتلاف ضدایرانی در منطقه با هدایت سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها — که با خروج ترامپ از برجام ابعاد جدیدی یافته است — سبب شد تا در راهبرد سیاست خارجی ایران، کفه ترازو به نفع موضوع بازدارندگی سنگین‌تر شود (برزگر، ۱۳۹۷: ۲۳). به‌هرحال، اختلاف بر سر مناطق تحت نفوذ، به‌ویژه در یمن، سوریه، و لبنان، باعث تخلیه ظرفیت‌های راهبردی کشورهای اسلامی در مقابله با اسرائیل شده و بار مقابله با توسعه‌طلبی اسرائیل را تنها بر دوش جمهوری اسلامی ایران گذاشته است.

۴. چشم‌انداز مناسبات آینده ایران و عربستان و ظرفیت‌های همگرایی

ایران و عربستان سعودی، به‌رغم اختلافات و مشکلات موجود و صرف‌نظر از عواملی که باعث واگرایی و سردی روابط دو کشور می‌شوند، منافع و حوزه‌های

همکاری مشترک زیادی نیز دارند و برپایه اشتراک‌هایی که دارند می‌توانند همکاری‌های سازنده‌ای با هم داشته باشند. اگر سران دو کشور عزم بر حل مسائل فیمابین داشته باشند، می‌توان از شدت اختلافات، تعارضات، و منازعات کاست و حتی گام‌هایی به‌سوی همکاری نیز برداشت. هر دو کشور در این زمینه‌ها تجربه‌های خوبی را در دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و پادشاهی ملک‌عبدالله از اواخر سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۴ داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که سران دو کشور با هم رفت‌وآمدهایی داشتند که سبب ایجاد تفاهم بین آن‌ها شد. اگرچه از حدود پنج سال پیش تاکنون، عربستان با وجود اعلام آمادگی دولت ایران برای گفت‌وگو درباره مسائل دوجانبه، هیچ‌گونه واکنش مثبتی نشان نداده است (ظریف، ۱۳۹۷: ۲)، ولی در بسیاری از مواقع حرکت به‌سوی تنش‌زدایی و مصالحه در روابط بین‌الملل، مانند آنچه در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ اتفاق افتاد، در اوج تعارض و تقابل و حتی جنگ رخ داده است. در حال حاضر، تقابل عربستان با ایران موجب افزایش شدید هزینه‌های دو کشور شده است؛ به‌گونه‌ای که با کاهش قیمت نفت و افزایش هزینه‌های جنگ در یمن، وضعیت به‌شکلی است که ترک مصالحه به سود هر دو کشور است. در حال حاضر هر دو کشور در مقابله سیاسی با یکدیگر به اوج دشمنی رسیده‌اند و از این مسیر نیز نتیجه‌ای نگرفته‌اند؛ بنابراین، می‌توان گفت، امکان به‌کارگیری دیپلماسی و رفتن به‌سوی تنش‌زدایی و انجام مصالحه سیاسی برای برقراری روابط حداقلی وجود دارد.

زمینه‌های مطرح‌شده در زیر، ظرفیت‌های لازم برای این موضوع را فراهم می‌کنند.

۱-۴. زمینه‌های بازسازی و برقراری روابط سیاسی

در گام نخست باید ذهنیت تخاصمی، تقابلی، و دشمن‌انگارانه در سطح تصمیم‌گیرندگان دو کشور به ذهنیت لزوم جریان یافتن زندگی مسالمت‌آمیز تغییر کند. باید از هر فرصتی برای کاهش اختلافات بهره گرفت تا بتوان به‌سوی بازسازی و برقراری روابط سیاسی براساس سیاست حسن همجواری پیش رفت.

حافظ شیرازی می‌فرماید:

درخت دوستی نشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد

در تمام دوره‌های شدت گرفتن اختلافات سیاسی بین ایران و عربستان، هیچ‌گاه ایران در قبال عربستان، راهبرد تهاجمی در پیش نگرفته است؛ بنابراین، اگر عربستان به این نتیجه برسد که تقابل و درگیری سیاسی با ایران، موجب تضعیف جمهوری اسلامی نمی‌شود و اتخاذ راهبرد مهار ایران در نهایت به نفع منطقه و عربستان نیست، راه برای مصالحه سیاسی و تبدیل تعارضات هویتی به تعارض منافع و حرکت به سوی مصالحه سیاسی باز می‌شود.

۲-۴. امکان تعامل در حوزه حج و عمره و گردشگری

اگرچه ایران و عربستان دارای تعارضات هویتی و ایدئولوژیک هستند، اتباع هر دو کشور نیاز به رفت‌وآمد به سرزمین‌های همدیگر دارند. حج بر تمام مسلمانان واجب است. قرآن می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران، ۹۷)؛ بنابراین، دیپلماسی حج می‌تواند مقدمات کاهش دشمنی بین دو کشور را فراهم کند.

ایران ظرفیت اعزام سالانه بیش از ۱۰۰ هزار نفر را به عربستان (برای انجام مناسک حج) دارد و هم‌اکنون حدود ۶ میلیون نفر نیز در نوبت اعزام به عمره هستند (قاضی‌عسکر، ۱۳۹۷: ۹). افزون‌براین، بسیاری از مردم عربستان، به‌ویژه شیعیان آن کشور، علاقه و تمایل دارند که برای زیارت امام رضا علیه‌السلام و سایر اماکن متبرکه به ایران سفر کنند و در تابستان با سفر به مناطق تفریحی ایران، به‌ویژه خطه شمال، از زیبایی‌های ایران بهره ببرند. عدد این گردشگران از کشورهای حوزه خلیج فارس، سالانه حدود ۷۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود. چنین تمایلاتی زمینه بسیار مناسبی را برای توسعه گردشگری مذهبی و تفریحی بین دو کشور پدید می‌آورد که بازار اقتصادی صدها میلیون دلاری را با خود به‌همراه دارد.

۳-۴. حوزه‌های تعامل اقتصادی و تجاری، به‌ویژه در نفت و اوپک

همکاری‌های منطقه‌ای در رشد و توسعه اقتصادی و پیشرفت و شکوفایی کشورهای همسایه بسیار مؤثر هستند. البته مفهوم همکاری این نیست که دو کشور منافع یکسانی داشته و با هم هیچ‌گونه اختلافی نداشته باشند، بلکه همکاری در یک وضعیت هم‌نواپی‌منازعه است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷: ۳) و به این مفهوم

است که طرفین با همکاری با یکدیگر می‌توانند منافع ملی و راهبردی خود را تأمین کنند؛ بنابراین، منافع متعارض، مانع همکاری دو کشور با یکدیگر نیست. اقتصاد هر دو کشور ایران و عربستان به شدت به تولید و صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های آن‌ها وابسته است. همچنین، بخش عمده درآمدهای دولت‌های هر دو کشور به درآمدهای نفتی و صنایع مربوط به آن وابسته است. نزدیک به ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی و همچنین، ۹۰ درصد صادرات عربستان سعودی از بخش نفت و گاز تأمین می‌شود (قنبرلو، ۱۳۹۶: ۴۰)؛ بنابراین، هرچه قیمت صادرات نفت و محصولات وابسته به آن بالاتر باشد، هر دو کشور اقتصاد پویاتری خواهند داشت و مردم هر دو کشور از رفاه بالاتری برخوردار خواهند بود. همکاری هر دو کشور در حوزه انرژی و تعامل سازنده آن‌ها در سازمان اوپک می‌تواند منافع هر دو کشور را به حداکثر برساند.

۴-۴. زمینه‌های همگرایی در تأمین امنیت خلیج فارس

منطقه خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های امنیتی دنیا و نیز یکی از پرنش‌ترین مناطق جهان است. در طول سالیان گذشته، همواره قدرت‌های بزرگ، نقش اول را در ترتیبات امنیتی آن ایفا کرده‌اند و مانع برقراری یک نظام امنیتی منطقه‌ای شده‌اند؛ درحالی‌که به دلیل بیشترین صادرات نفت از خلیج فارس، این منطقه به یک چارچوب امنیتی مناسب موردقبول کشورهای پیرامون آن نیاز دارد. هر دو کشور ایران و عربستان به امنیت در خلیج فارس نیاز دارند، زیرا هم منابع نفتی و هم مسیر رفت‌وآمد کشتی‌های نفتی و تجاری آن‌ها در این دریا قرار دارد. هر نوع الگوی امنیتی در خلیج فارس بر امنیت هر دو کشور تأثیر مستقیم دارد. ایران و عربستان باید به این درک مشترک برسند که هرگونه بی‌ثباتی، ناامنی، و تنش در منطقه، هر دو کشور را تهدید می‌کند؛ به این مفهوم که بی‌ثباتی و ناامنی یک کشور به منزله تأمین امنیت دیگری نیست. برای کاهش نگرانی‌ها، یک نظام امنیتی باید خواسته‌های امنیتی مشروع تمام طرفین را دربر گیرد. چنین چارچوبی می‌تواند شامل یک قرارداد چندجانبه برای ایجاد و تضمین یک «منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه»، به‌علاوه یک قرارداد منطقه‌ای «ترتیبات سلاح‌های

متعارف» باشد. درغیراین صورت، در شرایط فعلی، که کشورهای منطقه به سرعت مشغول مسلح کردن خود هستند، توسعه ناامنی‌ها محتمل است. به‌رحال رسیدن به صلح پایدار در گرو خروج از الگوی «موازنه تهدید» و «موازنه قوا» و تلاش برای رسیدن به الگوی «همکاری جمعی» و تکیه بر «گفت‌وگوهای منطقه‌ای» مبتنی بر مفاد قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در خلیج فارس است. با ایجاد چنین الگویی، ساختار اعتمادسازی در بین کشورهای منطقه شکل می‌گیرد و امکان تعامل سازنده بین کشورهای پیرامون، به‌منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت‌های خلیج فارس، فراهم می‌شود.

۴-۵. بسترهای همکاری در تقریب مذاهب اسلامی و تعاملات علمی و فرهنگی

از زمانی که آل سعود قدرت را در عربستان به‌دست گرفته است، طریقه وهابیت و سلفی‌گری را با فشارهای امنیتی و سیاسی و هزینه‌های مالی گسترش داده و سایر مذاهب اسلامی را از گردونه توجه خارج کرده است. تقابل وهابیت با سایر مذاهب اسلامی، به‌ویژه با تشیع و مکتب اهل‌بیت، تاکنون باعث کشتارهای فراوانی در جهان اسلام شده است که در مغایرت کامل با آیین محمدی قرار دارد. تجربه همکاری علمای شیعه، به‌ویژه آیت‌الله‌العظمی بروجردی با ال‌زهر مصر در زمان شیخ محمود شلتوت می‌تواند مبنایی برای همکاری ایران و عربستان در تقریب بین مذاهب اسلامی باشد. دو کشور می‌توانند بر مبنای آیات قرآن، از جمله «تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم» (آل عمران، ۶۴) و نیز «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳) و همچنین، بر مبنای داشتن خدا، کتاب، قبله، و پیامبر واحد، الگویی از تعاملات علمی و فرهنگی را با یکدیگر شکل دهند.

۵. سازوکارهای کاهش خصومت

تلاش برای ایجاد یک فهم مشترک از تهدیدها می‌تواند باعث کاهش واگرایی و سطح دشمنی بین دو کشور شود. البته راهکارهای رسیدن به مصالحه سیاسی به «عزم و نیت» طرفین برای کاستن از میزان تنش و «روش عمل» و حوصله و «صبر» آن‌ها بستگی دارد. سیاست خارجی ایران برای روابط با همسایگان و کشورهای مسلمان، اهمیت ویژه‌ای قائل است. خداوند متعال می‌فرماید: «انما المومنون اخوه

فاصله‌ها بین اخویکم» (حجرات، آیه ۱۰). ایران می‌تواند با برادر دانستن ملت عربستان (حتی اگر پادشاهی سعودی به مواضع خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ادامه دهد) با بهره‌گیری از شیوه «مدارا» و با نرمش بیشتر، راه را برای یک تفاهم حداقلی باز کند. این شیوه پس از اعدام شیخ نمر در عربستان، حمله به سفارت سعودی در تهران، تعطیلی سفارتخانه‌های دو کشور، و جلوگیری از سفر حجاج ایرانی به حج از سوی دولت عربستان، تجربه شد. سرانجام مذاکرات انجام‌شده و تفاهم حداقلی، به‌رغم قطع روابط سیاسی، و دریافت تعهدات لازم برای حفظ جان و امنیت حجاج ایرانی، در دو سال گذشته سبب انجام سفرهای حج از سوی ایرانیان شده است.

۱-۵. تنش‌زدایی

باید توجه داشت که سیاست‌گذاری‌ها نه براساس خواسته‌ها، بلکه براساس ظرفیت‌ها، توانایی‌ها، واقعیت‌ها، و توانمندی‌ها قابلیت اجرایی دارند. بر مبنای یک نوع چارچوب سیاسی مبتنی بر «قدرت» و «مدارا»، می‌توان تنش‌زدایی بین دو کشور را آغاز کرد. حافظ شیرازی می‌فرماید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
 با دوستان مروت با دشمنان مدارا

بنابراین، ایران و عربستان، برای عبور از بحران تنش‌های موجود و رسیدن به مصالحه سیاسی، باید به توازن و موازنه راهبردی منطبق بر استعدادها و ظرفیت‌های یکدیگر تن دهند. ایران و عربستان دو راهکار در پیش رو دارند: یا با یکدیگر تعامل سازنده داشته باشند و به‌جای تکیه بر اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی بر ظرفیت‌های مشترکشان تأکید کنند، یا اینکه به‌سوی رقابت منفی و افزایش دشمنی حرکت کنند که ممکن است سبب درگیری و حتی جنگ شود؛ بنابراین، آن‌ها نباید شکاف‌های راهبردی را به تنگناهایی که موجب بروز جنگ بین طرفین می‌شود، تبدیل کنند. این دو کشور چاره‌ای ندارند جز اینکه در میان‌مدت و درازمدت در نوع روابط خود تحول ایجاد کنند و از آنجاکه مرزهای ژئوپلیتیک دو کشور درهم‌تنیده است، می‌توانند بر سر موضوعات مشترک، مصالحه کنند، زیرا تداوم وضعیت فعلی، امکان‌پذیر نیست.

ایران و عربستان باید بپذیرند که هریک از آن‌ها به تنهایی نمی‌توانند منطقه را مدیریت کنند و لازم است یکدیگر را به عنوان رقبای منطقه‌ای بپذیرند.

هر دو کشور ایران و عربستان باید بپذیرند که دچار اختلاف منافع و ارزش هستند، ولی در چارچوب منافع منطقه‌ای می‌توانند یکدیگر را به رسمیت بشناسند و با هم کار کنند.

هر دو کشور باید به این درک برسند که تعامل و همکاری (نسبت به تنش و اختلاف) فواید بیشتری برای طرفین دارد.

به رسمیت شناختن هویت و منافع متعارض طرفین، گام نخست برای تنش‌زدایی و کاهش سطح دشمنی‌ها به اختلافات است. به این منظور می‌توان رقابت‌های ایدئولوژیک را به سطح اختلافات سیاسی قابل‌مذاکره کاهش داد و به این ترتیب، به سوی تنش‌زدایی حرکت کرد. البته تنش‌زدایی به مفهوم پایان اختلافات بین دو کشور نیست و برای رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز باید راه طولی طی شود.

۲-۵. تلاش برای حل بحران یمن

مسئله یمن همواره مورد توجه ایران و عربستان بوده است (شاهقلیان، ۱۳۹۶: ۱۵۴). از زمان استقرار نظام جمهوری در یمن در دهه ۱۹۷۰، عربستان بسیار تلاش کرده است تا نفوذ خود را در این کشور، به عنوان یک کشور همسایه که با هم پیوستگی‌های جغرافیایی، جمعیتی، و امنیتی دارند، افزایش دهد. یمن، ۵۲۷ هزار کیلومتر مربع وسعت، حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی، و حدود ۲۶ میلیون نفر جمعیت دارد و بخشی از شبه جزیره عربستان به شمار می‌آید (The World Fact Book, 2014: 37). اشراف یمن بر خلیج عدن، تنگه باب‌المندب، و دریای سرخ و تسلط آن بر ارتفاعات مران که از سواحل عدن آغاز و تا منطقه طائف کشیده می‌شود و نیز وجود طایفه حوثی‌ها که دارای عقایدی متفاوت با وهابیت و سلفی‌گری هستند بر اهمیت ژئوپلیتیک این کشور می‌افزاید. دولت سعودی همیشه به تحولات یمن حساس بوده و به هیچ‌روی قدرت گرفتن حوثی‌ها را که متمایل به ایران هستند، تحمل نمی‌کند؛ بر همین اساس بود که در مارس ۲۰۱۵ با کمک

امارات متحده عربی به این کشور حمله کرد.

عربستان در رقابت راهبردی با ایران، نگران توسعه نفوذ جمهوری اسلامی از طریق حوثی‌ها و حمایت از گروه انصارالله در عقبه امنیتی سعودی است و جنگ یمن را افزون‌بر دیدگاه سستی خود، براساس انگیزه دور کردن تهدید ایران از حوزه امنیتی خود نیز ارزیابی می‌کند. ولی اکنون با آوارگی حدود ۱۴ میلیون نفر از مردم این کشور و بروز قحطی و گرسنگی، عربستان تقریباً دریافته است که بحران یمن، فراتر از ظرفیت و توان سیاسی-راهبردی این کشور است. این جنگ، به‌رغم هزینه‌ای بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار، نه‌تنها درنهایت به نتیجه مطلوب موردنظر نمی‌رسد، بلکه جایگاه منطقه‌ای عربستان را نیز (در برابر ایران) تضعیف می‌کند و بر شکاف‌های سیاسی داخلی در این پادشاهی می‌افزاید. حتی ممکن است تداوم درگیری‌های یمن، فرصت مناسبی را در اختیار حوثی‌ها قرار دهد تا یک سازمان مسلح غیرمتقارن را در کنار دریای سرخ و در جوار تنگه باب‌المندب به‌وجود آورند که در درازمدت در دسره‌های آن برای عربستان و آمریکا فراتر از نقش حزب‌الله لبنان در برابر اسرائیل باشد؛ بنابراین، یافتن راه‌حلی سیاسی برای پایان دادن به بحران یمن می‌تواند از شدت تنش بین ایران و عربستان بکاهد. به‌هرحال، زمین‌گیری و ناکامی عربستان در یمن، راه را برای خاتمه جنگ در این کشور و نیز مصالحه با ایران باز خواهد کرد. خوشبختانه پس از حدود چهار سال جنگ عربستان در یمن، سنای آمریکا در ۲۲ آذر ۱۳۹۷ به این نتیجه رسید که آمریکا باید دست از حمایت عربستان در تداوم این جنگ بردارد. نخستین گام‌های مصالحه بین طرفین درگیر نیز با برقراری آتش‌بس در الحدیده (پس از مذاکرات انجام‌شده در سوئد، زیر نظر سازمان ملل متحد در نیمه آذر سال جاری) برداشته شد که امید به خاتمه جنگ در یمن را افزایش می‌دهد.

۳-۵. به‌رسمیت شناختن منافع طرفین

حل اختلافات بین دو کشور به پذیرش منافع طرفین در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای و اقتصادی وابسته است. به این منظور باید ذهنیت‌های منفی نسبت به یکدیگر به ذهنیت‌های مثبت نسبت به منافع همدیگر تغییر جهت دهند. نتیجه تشدید دشمنی‌های فعلی می‌تواند سبب بروز یک بحران جدی شود و خروج از بحران، به

پذیرفتن و به رسمیت شناختن منافع یکدیگر و ایجاد شرایطی برای همزیستی مسالمت آمیز وابسته است. باید توجه داشت که اتحادیه اروپا از خاکستر جنگ‌های آلمان و فرانسه سر برآورد؛ بنابراین، تکیه بر منافع مشترک در حوزه‌هایی مانند حج و عمره، گردشگری مذهبی، نفت، امنیت خلیج فارس، مقابله با تروریسم، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های طرفین برای رونق اقتصادی می‌تواند گره‌گشای برقراری روابط دوجانبه باشد. براین اساس، طرفین می‌توانند با به رسمیت شناختن منافع یکدیگر، رقابتی همراه با تعامل و همکاری در حوزه منافع مشترک، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، داشته باشند. اتخاذ چنین سیاستی، هزینه‌های طرفین را در همه حوزه‌ها، از جمله رقابت‌های تسلیحاتی و امنیتی، پایین می‌آورد.

۶. راهکارهای کاهش خصومت

به‌منظور عبور از بحران در روابط بین دو کشور و برای حرکت به‌سوی بهبود مناسبات و برقراری رابطه سیاسی پایدار بین دو کشور، طرفین باید یک نوع آتش‌بس سیاسی بین خودشان برقرار کنند، هرکدام «یک گام به عقب» بردارند، و از نگاه حداکثری «برنده-بازنده»، به بازی «برد-برد» روی آورند. بهره‌گیری از «دیپلماسی عمومی»، فضای مجازی، و «شبکه‌های اجتماعی» به‌منظور ایجاد فضای مناسب در بین افکار عمومی دو ملت می‌تواند راهگشا باشد. در زیر خلاصه‌ای از این راهکارها ارائه شده است.

۱. مذاکره دیپلماتیک به‌منظور رسیدن به توافق در مورد اصولی مانند احترام به حاکمیت ملی و مرزهای موجود و تمامیت ارضی دو کشور، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و احترام به اصول منشور سازمان ملل می‌تواند مبنای حل اختلافات دو کشور باشد. دو کشور می‌توانند با توجه به دغدغه‌های یکدیگر گفت‌وگوهای بدون پیش‌شرط را آغاز کنند. آن‌ها باید با تکیه بر نقاط اشتراک دو کشور، در راستای همگرایی و برجسته نکردن موارد اختلاف تلاش کنند و همه نگرانی‌های امنیتی را روی میز مذاکره مطرح نمایند؛

۲. مذاکره و توافق بر سر مناطقی مانند یمن، بحرین، لبنان و سوریه: از آنجاکه عربستان، نفوذ ایران در منطقه را ناشی از فعالیت‌های نیروی قدس سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی می‌داند، در مذاکره بر سر مناطق نفوذ، باید افزون‌بر وزیر امور خارجه، فرمانده نیروی قدس نیز حضور داشته باشد تا امکان رسیدن به توافق بیشتر و سریع‌تر، فراهم شود؛

۳. پایان دادن به تبلیغات رسانه‌ای علیه طرف مقابل و اصلاح زبان سخن گفتن با یکدیگر و با توجه به فرهنگ و خلیقات عربی، برقراری روابط خانوادگی با پادشاه و خانواده سلطنتی عربستان و حرف زدن با زبان نرم و ملایم با آل‌سعود و سرزنش نکردن آن‌ها. خداوند می‌فرماید: «اذهبا الی فرعون انه طغی و قولاً له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی» (طه، ۴۳ و ۴۴).

۴. احیای توافق امنیتی ایران و عربستان که در دوران ریاست‌جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی بین آقایان حسن روحانی و امیرنایف، وزیر کشور عربستان امضا شد. همچنین، تعریف منافع مشترک در حوزه‌هایی مانند امنیت خلیج فارس، نفت، مناطق نفوذ، گردشگری مذهبی، و تروریسم و مذاکره برای ایجاد یک ساختار همکاری و ترتیبات امنیت مشترک در خلیج فارس بین ایران، عراق، عربستان و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس؛

۵. دادن مجوز به خاندان حاکم سعودی برای گشت‌وگذار در ایران به‌منظور انجام تفریح‌های موردعلاقه آن‌ها مانند شکار و فرستادن هدایای موردعلاقه خاندان سلطنتی از کالاهای نفیس ایرانی مانند برنج، فرش، خاویار، و پسته. باید توجه داشت که همیشه ملک فهد در دیدار با هیئت‌های ایرانی از طعم خوب برنج ایرانی که برای وی هدیه فرستاده می‌شد، یاد می‌کرد؛

۶. افزایش ارتباطات سیاسی و اقتصادی با کشورهایمانند عمان، قطر، و کویت و تلاش برای کاهش تنش با آمریکا به‌منظور تأثیرگذاری بر رفتار عربستان با جمهوری اسلامی ایران، زیرا دماسنج رفتار عربستان، تا حد زیادی به سیاست‌های آمریکا درباره جمهوری اسلامی ایران وابسته است.

پیگیری موارد یادشده به یک مدیر پروژه نیاز دارد تا با اختیارات کافی و با دیپلماسی فعال و رایزنی‌های مستمر بتواند راه را برای اقدامات بالا باز کند. انتخاب یک عرب ایرانی که با فرهنگ مردم و خاندان سلطنتی سعودی آشنا و موردتأیید رهبر و رئیس‌جمهور باشد، می‌تواند به کار سرعت ببخشد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه نه عربستان و نه ایران از معادلات منطقه‌ای و مسائل جهانی قابل حذف نیستند، در وضعیت فعلی، سه گزینه پیش روی دو کشور است؛ نخست، حفظ وضع موجود، به این مفهوم که طرفین به دشمنی با یکدیگر ادامه دهند و امکانات خود را برای ضربه زدن به همدیگر به کار گیرند. گزینه دوم، تداوم تقابل و جنگ‌های نیابتی تا رسیدن به جنگ محدود مستقیم نظامی بین دو طرف است، اما از دید صاحب‌نظران و بررسی انجام شده در این پژوهش، بهترین گزینه، حرکت دو کشور به سوی همگرایی منطقه‌ای، سازگاری، تفاهم، تعامل، و همکاری است. برای رسیدن به این مقصود، طرفین باید با پذیرفتن تمام تفاوت‌ها و اختلاف‌نظرها به یکدیگر احترام گذاشته، منافع یکدیگر را به رسمیت بشناسند، و بر اشتراک‌های بین خود تکیه کنند. انجام مذاکرات صریح، روشن، و پیوسته می‌تواند به پیوندهای فرهنگی، امنیتی، و اقتصادی بین دو کشور منجر شود. طراحی یک نظام امنیتی مشترک یا دسته‌جمعی و چندجانبه که ایران و عربستان در آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند، راهکار ساختاری و سازوکار مناسبی برای کاهش تعارضات و سطح دشمنی‌های بین این دو کشور است.*

منابع

- احمدیان، حسن (۱۳۹۵)، «تحول در سیاست منطقه‌ای عربستان: آورده‌های ملک‌سلیمان»، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۳)، *مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر*، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۶)، «جاده ابریشم نوین به‌مثابه راهبرد سیاست خارجی چین: فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره ۳.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر قومس.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۶)، «تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱.
- برزگر، کیهان؛ قاسمی، مهدی (۱۳۹۲)، «استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۱.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، *ایران و توازن قوای درحال‌ظهور*، مرکز مطالعات الجزیره، ۹ سپتامبر ۲۰۱۸.
- پمیئو: سعودی‌ها بهای کارشان را پرداخت کردند، خبر آنلاین، ۲۲ آذر ۱۳۹۷، ۱۲:۱۶، کد خبر ۱۲۱۲۳۲۲.
- حافظ شیرازی، دیوان شعر، غزل شماره ۱۱۵
- درویش‌وند، حسن (۱۳۹۷)، *رئیس اداره امور عربستان در وزارت امور خارجه، نشست تخصصی مسیریابی روابط تهران-ریاض*، دانشگاه علامه طباطبایی، به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد، دوشنبه ۱۳۹۷/۹/۱۲.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۲)، «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره سوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۷)، «نشست تخصصی مسیریابی روابط تهران-ریاض، دانشگاه علامه طباطبایی، به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد، دوشنبه ۱۳۹۷/۹/۱۲.
- _____ (۱۳۹۷)، «نظم دوقطبی یا نظم کنسرتی»، مصاحبه با جمعه‌نامه روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷/۹/۲۹.
- کوهن، سائول (۱۳۸۷)، *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه احمد کاردان، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.

- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۱.
- غسان، سلامه (۱۹۸۰)، *السیاسه الخارجیه السعودیه منذ عام ۱۹۵۴*، درسه فی العلاقات الدولیه، معهد الانماء العربی.
- شاهقلیان، رضا؛ جمالی، علی (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر جنگ عربستان در یمن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *مجله سیاست دفاعی*، سال ۲۵، شماره ۴.
- صادقی، حسین (۱۳۹۷)، «نشست تخصصی مسیریابی روابط تهران-ریاض»، دانشگاه علامه طباطبائی، به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد، دوشنبه ۱۳۹۷/۹/۱۲.
- صحیفه امام (۱۳۷۹)، جلد ۱۱، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- ظریف، محمدجواد (۱۳۹۷)، «اعتراض به سانسور برجام»، *روزنامه سازندگی*، سال اول، شماره ۱۳۹۷/۹/۲۴، ۲۴۵.
- _____ (۱۳۹۷)، «ایران آماده تعامل با عربستان است»، *روزنامه شرق*، سال ۱۶، شماره ۳۳۸۳.
- _____ (۱۳۹۷)، «پاسخ عربستان به درخواست مذاکره با ایران»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، سال ۱۷، شماره ۴۵۶۷.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰) *ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم*، تهران: انتشارات سمت.
- عطایی، فرهاد؛ منصوری‌مقدم، محمد (۱۳۹۲)، «تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستری هویتی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره اول.
- فرزانه‌پور، حسین؛ زنگنه، پیمان (۱۳۸۸)، «مقایسه رفتاری سیاست خارجی ایران: گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره دوم.
- قاضی‌عسکر، سیدعلی (۱۳۹۷)، «هرطور شده عمره را برگزار کنیم»، *خبرگزاری ایسنا*، ۱۳۹۷/۹/۱۷، کد خبر ۲۴۱۸۵۳.
- قرآن مجید.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۶)، «تحولات اقتصادی و ثبات سیاسی در عربستان سعودی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۷۵.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «جدال در حاشیه و رویارویی ژئوپلیتیکی با ایران»، *فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه*، شماره پنجم.
- مجته‌زاده، پیروز (۱۳۸۰)، «از خلیج فارس تا دریای خزر: ایده‌های ژئوپلیتیک تا واقعیت‌های ایرانی»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۱۰-۱۰۹.
- محمدی، احسانه؛ حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۷)، «هویت، قدرت و امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: یک چارچوب نظری»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال سیزدهم، شماره ۲.
- مشیرزاده، حمیرا؛ مصباح، احسان (۱۳۹۰)، «موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۱.

موسویان، سیدحسین (۱۳۹۷)، نشست بنیاد فریدریش ابرت آلمان در مورد ایران و منطقه،
 در دسترس در:

<https://drive.google.com/file/d/1BfHWU13Tv0igOxqIXevhIW3N-9ZBJwS1/view>
 «نتانياهو درباره عربستان و ايران خط و نشان كشيد»، خبرآنلاین، ۲۲ آذر ۱۳۹۷، ۱۰:۴۶،
 کد خبر ۱۲۱۲۲۸۷.

ونت، الکساندر (۱۳۸۵)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ
 اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
 هانتر، شیرین (۱۳۷۶)، «مروری تطبیقی بر سیاست خارجی معاصر ایران»، *ایران‌نامه*، شماره
 ۲۶.

Adler, A (2005), "Communitarian International Relations", *The Epistemic Foundation of International Relation*, London-Newyork.

Bardají, R. L. (2016), "Religion, Power and Chaos in the Middle East", *European View*, Vol 15, No. 1.

Chan, Mignonne Man-jung (2011), "Geo-economic Challenges for the Asia-Pacific Region in the post- crisis Governance and Taiwans Role in thi Region", *Chinese Taipei APEC Study Center*.

G. Ikenberry, John (2011), *American Foreign Policy*, Boston: Wadsworth.

Gause, Gregory (2011), "Saudi Arabia,s Regional Security Strategy", in: *International Politics of the Persian Gulf*, Mehran Kamrava, Syracuse University Press.

Hart, Parker, T. (1998), *Saudi Arabia and the U.S.: Birth of a Security Partnership*, Boomington, Indian: Indiana University Press.

<https://t.me/joinchat/BsAXUU7hbwdrEUcJYyQsjw#3##>

Mohammad Nia, Mahdi and Seifi, Abdolmajid (2015), "The Ideational Nature of Iranian - Saudi Interactions", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 5. No 4.

Porcel Quero, G (2001), *Thus Sooke Franco: The Place of History in the Making of Foreign Policy*.

Shalit, E (1994), "The Relationship between Aggression and Fear of Annihilation in Israel", *Political Psychology*, No.1.

The World Fact Book (2014), <https://www.cia.gov/Library/puplications/theWorldFactbook/geos/ym.html>.

Yamani, Mai (2008), "The Two Faces of Saudi Arabia", *Survival*, Vol. 50, No. 1.